



# عدم اطمینان به وجود یافتن مورد معامله در فقه اسلامی، حقوق ایران و مصر

حامد صالحی علی‌آبادی<sup>۱</sup>

علیرضا شمشیری<sup>۲\*</sup>

عباس کریمی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۵/۳ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۹/۱۹

## چکیده

امروزه برداشت‌های سنتی از فقه اسلامی و قوانین موضوعه منجر به صدور نظریه مشهور مبنی بر بطلان معامله‌ی عین مالی که هنوز به وجود نیامده یا همان مال آینده شده است. عمده مستند این نظریه در فقه اسلامی قاعده‌ی نفی غرر از باب عدم اطمینان به وجود یافتن مورد معامله و در حقوق موضوعه کشورمان ماده‌ی ۳۶۱ قانون مدنی می‌باشد. ازسویی واکاوی در منابع فقهی در باب قاعده غرر و مجموع مقررات موضوعه نشان می‌دهد هر جهلی در معامله که در آن احتمال ضرر می‌رود مؤثر در بطلان قرارداد نیست و ازاین‌جهت ابهامات معاملی به دو شق مؤثر و غیرمؤثر در ایجاد غرر و بطلان عقد قابل تقسیم می‌باشد. چراکه در فقه، غرر به‌معنای خطر بوده و خطر نیز عبارت از احتمال ضرری بوده که عرف عقلاً از آن اجتناب می‌کنند؛ بنابراین اگر عرف به‌جهت قابل اغماض بودن ابهام به یکی از ابعاد معامله از آن روی‌گردان نبوده و آن را خطر ناک بشمارد چنین جهلی اساساً غرر محسوب نمی‌شود. در عین حال تحلیل ابعاد ابهام و تردید در به وجود آمدن مورد معامله در معامله به مالی که هنوز به وجود نیامده است، نشان می‌دهد ریسک ناشی از آن همیشه مؤثر در ایجاد غرر نبوده بلکه در صورتی که روال طبیعی و عادی امور ظن نوعی مبنی بر ایجاد مورد معامله را در آینده را متبادر سازد، چنین ابهامی از منظر عرف قابل اغماض بوده و در نتیجه معامله را مشتمل بر خطر و به تبع غرر نمی‌سازد. ضمن آنکه استناد به ماده‌ی ۳۶۱ نیز در این خصوص به جهات مختلف قابل خدشه بود. حقوق مصر نیز با درک درست از این رویکرد عرف نسبت به غرر در موارد تردید در به وجود آمدن مورد معامله به صراحت معامله به مال آینده در صورتی که عادتاً ممکن الحصول باشد را صحیح تلقی نموده است.

**واژگان کلیدی:** غرر، خطر، مال آینده، بیع معدوم، عرف.

## مقدمه

<sup>۱</sup> گروه حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران. h.salehyy@gmail.com

<sup>۲</sup> گروه حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) shamshiri.f@gmail.com

<sup>۳</sup> گروه حقوق خصوصی و اسلامی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران. abkarimi@ut.ac.ir

یکی از قواعدی که در فقه ذیل شرایط عوضین در عقود معاوضی و مغایبی به خصوص عقد بیع مورد بحث قرار می‌گیرد، قاعده‌ی غرر است. در قانون مدنی نیز گرچه به صراحت به این قاعده اشاره‌ای نشده است، لیکن برخی از مقرره‌های آن نظیر بند سوم از ماده ۱۹۰، ماده ۲۱۶، و ماده ۳۴۸ بر اساس کارکردهای این قاعده در حوزه‌ی موضوع معاملات تنظیم شده است.

حقوق دانان نیز حسب مورد و بیشتر در مبحث شرایط اساسی صحت معاملات این قاعده را مورد توجه و بررسی قرار داده و در لسان ایشان از این قاعده بعضاً تحت عنوان اصل لزوم رفع ابهام در معاملات یاد شده است. (وحدتی شبیری، ۱۳۷۹، ص ۴۸) لکن تاکنون مبانی و عناصر سازنده غرر، به صورت نظام‌مند و منقح، تبیین نشده و در عین حال با یک نظام واحد و هماهنگ به تطبیق غرر بر مصادیقش در شئون مختلف قراردادی پرداخته نشده است. از این رو قلمرو تأثیر غرر در موضوع معاملات با لحاظ سه محوری که فقیهان و حقوقدانان برای آن بر شمرده اند<sup>۱</sup>، شروط ضمن عقد و توابع معاملی، بعضاً در هاله‌ای از ابهام و مشتعل بر اختلاف نظر در میان فقها و حقوقدانان قرار دارد. عدم تنقیح لازم در ضابطه‌ی ارائه شده برای ایجاد غرر در معاملات و همچنین انحراف از ضابطه در تطبیق غرر با مصادیق خود موجب شده تا حدود و ثغور ریسک منتج به غرر در حقوق قراردادهای و شئون گوناگون آن مشتعل بر تشتت و نوعی سردرگمی گردد.

در نتیجه با تکیه بر برداشت‌های سنتی از این قاعده، اعتبار بسیاری از قراردادهای مورد نیاز و مبتلا به جامعه اقتصادی نظیر انواع قراردادهای پیش‌فروش محصولات کشاورزی و مصنوعات بشری با توجیه غرری بودن در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است. در عین حال وارد شدن روایاتی چند از معصومین (ع) نیز که علی‌الظاهر از معامله به مالی که هنوز به وجود نیامده است نهی شده است در تأکید بر بطلان معامله‌ای که موضوع آن هنوز به وجود نیامده و دارای اطمینان از حیث به وجود آمدن نمی‌باشد، در فضای حقوق اسلامی نقش به‌سزایی ایفا می‌کند. گفتنی است باطل دانستن چنین قراردادهایی که جنبه‌ی مبتلا به در جامعه اقتصادی کنونی ایفا نموده نظام حقوقی بومی را ناکارآمد جلوه داده و جامعه را با توجه به نیازهای روز خود دچار مشکل می‌کند.

این درحالی است که در حقوق برخی از کشورهای اسلامی نظیر مصر با اقدام به فاصله‌گیری از قواعد سنتی سابق و لحاظ تحولات عرفی کنونی در حوزه معاملات، تفسیری توأم با دقت بیشتر و منطبق با نیازهای روز جامعه از قاعده نفی غرر ارائه شده و ضمن تقسیم غرر به مؤثر و غیر مؤثر (در صحت یا بطلان عقد)، ابهامات معاملی معتنا به عرفی را واجد غرر مؤثر و ابهامات معاملی قابل

<sup>۱</sup> محورهای سه گانه ی فوق‌الذکر عبارتند از: ۱- عدم اطمینان و تردید در به وجود یافتن مورد معامله ۲- عدم اطمینان و تردید در قابلیت تسلیم و تسلیم مورد معامله ۳- ابهام در اوصاف مورد معامله و عدم اطمینان از توازن اقتصادی عوضین از این حیث.

اغماض از منظر عرف را متضمن غرر غیر مؤثر تلقی نموده و همین نگاه موجب به رسمیت شناساندن قراردادهای صدرالاشاره به لحاظ حقوقی در نظام حقوقی آن کشور شده و زمینه را برای رشد و گسترش فعالیت‌های اقتصادی در جوامع خود را فراهم نموده است.

به منظور حل معضل موصوف در نظام حقوق داخلی، واکاوی ماهوی غرر و تطبیق مفهوم بازشناسی شده‌ی مزبور بر شئون مختلف قراردادی در دستور کار قرار گرفته و در این راستا ارائه‌ی مباحث تفصیلی ناظر بر مفهوم غرر، مبانی و عناصر سازنده‌ی آن به مقاله‌ی علمی مندرج در فصلنامه‌ی حقوق اسلامی وابسته به پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی با موضوع واکاوی غرر موثر در فقه امامیه و حقوق ایران و مقایسه‌ی آن با حقوق مصر<sup>۱</sup> به قلم نویسنده گان همین مقاله سپرده شد و بررسی چگونگی موثر واقع شدن ابهام و تردید در وجود یافتن مورد معامله در ایجاد غرر و بطلان معامله از منظر فقه و حقوق ایران و مصر موضوع مقاله‌ی حاضر قرار گرفت.

در این مقاله با واکاوی در منابع فقه اسلامی و حقوق موضوعه به دنبال پاسخ به این سوالات هستیم که عدم اطمینان در وجود یافتن مورد معامله اولاً با چه چالش‌هایی روبه رو بوده و چه آثار وضعی در فقه و حقوق موضوعه به دنبال دارد و ثانیاً چگونه و با چه دامنه‌ای می‌تواند موثر در ایجاد غرر در معامله باشد. برای این منظور به ناچار در بخش اول مقاله پرداخت مختصری از ماهیت غرر و آثار آن در معاملات صورت گرفته و سپس تاثیرات ابهام در وجود یافتن موضوع معامله از حیث امکان یا عدم امکان ایجاد غرر و در وهله‌ی دوم چالش‌های معامله به مالی که هنوز به وجود نیامده است با تکیه بر قاعده‌ی نفی غرر مورد بررسی و تجزیه و تحلیل فقهی و حقوقی قرار می‌گیرد.

## مفهوم و ماهیت غرر

در اینجا بدو با بررسی تعریف لغوی غرر از منظر لغت شناسان و در ادامه با تتبع در مفهوم اصطلاحی آن، از نگاه فقها و حقوقدانان سعی در بازشناسی دقیق مفهوم و ماهیت غرر در فضای فقه و حقوق موضوعه و شناسایی عناصر مشکله آن خواهیم داشت.

### ۱-۱. تعریف لغوی غرر

غرر واژه‌ای است عربی و برابر بررسی صورت گرفته، لغت شناسان عمدتاً این واژه را به دو معنای مختلف به شرح ذیل تعبیر نموده‌اند:

<sup>۱</sup> - برای مطالعه بیشتر در این خصوص نک به: صالحی علی‌آبادی، حامد؛ شمشیری، علیرضا؛ کریمی، عباس؛ واکاوی غرر موثر در فقه امامیه و حقوق ایران و مقایسه‌ی آن با حقوق مصر، فصلنامه حقوق اسلامی، شماره ۷۷، تیرماه ۱۴۰۲، صص ۱۴۵-۱۸۳

«منتهی الارب» (صفی پوری شیرازی، ۱۳۹۳، ص ۹۱۲)، کتاب العین «فراهیدی، ۱۴۱۰، ص ۳۶۴»، «تاج العروس» (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۴۴۳) و «المصباح» (مقری فیومی، ۱۴۰۵، ص ۴۴۵) آن را به معنای خطر آورده‌اند. در «اقرب الموارد» (شرتونی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۸۶۷) به معنای در معرض هلاک افتادن آمده است. جوهری نیز در صحاح اللغه (جوهری، ۱۹۹۰، واژه غرر) غرر را در معنای خطر آورده و همو اذعان می‌کند که گرچه برخی غرر را در معنای خدعه، فریب و یا نیرنگ آورده اند لکن در نظر من الغرر به معنای خطر می‌باشد. در برخی از فرهنگ‌های لغت فارسی، غرر به معنای هلاکت (دهخدا، ۱۳۷۰، ج ۳۱، ص ۱۴۸) و در بعضی دیگر به معنای خطر (معین، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۴۰۰) آمده است.

در عین حال در بعضی قاموس‌ها نیز غرر را از مصدر غراره به معنای خدیعه و غفلت دانسته‌اند (ابوجیب، ۱۴۰۲، ص ۲۷۲).

ابن منظور (ابن منظور، ۱۴۰۵، ص ۵۴۶) نیز، ابتدا معنای فریب و نیرنگ را برای واژه غرر ذکر کرده ولی در عین حال بیع غرری را به معنای بیع مشتمل بر مخاطره تفسیر می‌نماید.

در جمع‌بندی تعاریفی که از منظر لغوی در خصوص غرر ارائه شده است، باید گفت:

الف) غرر اسم است که از ماده تغریر اخذ شده و تغریر یعنی در معرض هلاکت و نابودی قرار گرفتن و غرر خود به معنای خطر است و خطر واژه‌ای عربی است که به چندین معنا آمده است از جمله احتمال ضرر، نزدیک به هلاکت، «اقدام بر عملی که ایمن از ضرر نیست» (خمینی، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۲۰۴) یا «آنچه مایه تلف شدن کسی یا چیزی باشد» (عمید، ۱۳۸۷، ص ۵۳۷). و اگر این واژه بر چیزی که مورد تعهد بوده لکن معلوم الوجود یا معلوم الحصول یا معلوم الوصف نیست و یا بر چیزی که ظاهری زیبا و فریبکارانه و باطنی مجهول اطلاق می‌شود به دلیل خطری بودن و ریسک پذیر بودن آن می‌باشد.

ب) لغت شناسان بیشتر واژه غرر را به خطر تعبیر نموده‌اند و تعبیر گروه اندکی از واژه غرر به خدعه و نیرنگ به نظر می‌رسد از این منشا حاصل شده که دو واژه غرر و غرور در بن و ریشه با هم مشترک بوده، و این اشتراک موجب انحراف در معناشناسی واژه غرر و تحمیل ویژگی‌های معنایی غرور به غرر، و در نتیجه انتساب معنای خدعه به غرر گردیده است. این در حالیست که اهل فن می‌دانند عروض هیات مختلف به یک ریشه و بن، گاه معنای جدیدی به آن ماده می‌بخشد و لزوماً نمی‌بایست از واژه غرر معنای واژه غرور را انتظار داشت. (برای تأیید این نظر، ر. ک: علیدوست، ۱۳۹۸، ص ۱۳۹).

ج) در هیچ‌یک از کتاب‌های لغت، غرر به معنای جهل نیامده است؛ بنابراین بر خلاف آنچه به

اشتباه رایج است، غرر به معنای جهل نمی‌باشد، هرچند در عمده موارد خطر و غرر ناشی از جهل و ابهام در یکی از ابعاد اساسی معامله می‌باشد (انصاری، ۱۴۲۷، ج ۴، ص ۱۷۸).

در نهایت به نظر ما غرر در لغت، اجمالاً به معنای خطر مالی در معامله می‌باشد.

## ۲-۱. تعریف اصطلاحی غرر

اصطلاح غرر از فقه اسلامی وارد حقوق موضوعه شده است از این رو نخست این اصطلاح و ارکان مقوم آن را در کلام فقها و سپس در کلام حقوقدانان مورد توجه و واکاوی قرار می‌دهیم.

### ۲-۱-۱. غرر در لسان فقها

برخی از فقهاء (عاملی، ۱۳۱۴، ص ۲۵۳) بیان داشته‌اند که غرر از نظر شرع، جهل درخصوص امکان رسیدن مورد معامله به دست منتقل الیه است. از این روی، اگر حصول مورد معامله قطعی باشد و فقط صفت آن مجهول باشد، معامله‌ی بر آن غرری نخواهد بود. اما صاحب عناوین (مراغه‌ای، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۱۷) ضمن مفروض دانستن معنای خطر برای واژه غرر و اشکال به نظریه فقیه مذکور در تعریف غرر چنین می‌نویسد: «غرر شامل و ناشی از همه صورت‌های جهل به ارکان عقد می‌گردد و هر چیزی که در آن جهل وجود داشته باشد ظاهراً در آن غرر و خطر نیز وجود دارد ...».

گروهی دیگر همچون مرحوم صاحب جواهر (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۲، ص ۳۸۸) غرر را به معنای خطر گرفته و در توضیح آن چنین می‌نویسد: غرری که از آن نهی شده است، یعنی خطر ناشی از جهل به صفات و مقدار مبیع، و نه مطلق خطر؛ زیرا در بیع کالای غایب نیز ضرورتاً خطر حاصل می‌شود، حال آنکه بیع کالای غایب جایز است و یا در بیع سردرختی و محصولات زراعی مادامی که چیده یا درو نشده باشد، غالباً خطر وجود دارد، اما بیع آنها صحیح و معتبر است؛ بنابراین مراد از غرر، مطلق خطر نیست.

اما شیخ انصاری (انصاری، ۱۴۲۷، ج ۴، ص ۱۷۸) در ردّ کلام صاحب جواهر می‌نویسد: خطر ناشی از جهل به حصول مبیع به دست منتقل الیه، به مراتب مهم‌تر از جهل به صفات مبیع است؛ لذا وجهی ندارد که کلام اهل لغت را به خطر ناشی از جهل به صفات و مقدار مبیع برگردانیم. همچنین مشهور است که فقهای امامیه از باب تمثیل برای غرر دو مثال معروف «ماهی در آب» و «پرنده در هوا» را برای مورد عجز از تسلیم مبیع، مطرح کرده‌اند نه جایی که صفات و مقدار

مبیع مجهول باشد.

مواجهه دسته سوم از فقها در خصوص غرر نیز، که قابل تفکیک به گروه متقدیمین و گروه متاخرین است بدین شرح است: فقهای متقدم همچون شیخ طوسی (طوسی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۶-۱۵۸) و علامه حلی (حلی، ۱۴۱۴، ص ۴۶۶-۴۶۸) با ذکر مثال‌هایی مبنی بر بطلان بیع پرنده در هوا، بچه حیوان در شکم مادر و پشم بر پشت گوسفندان، صرف وقوع جهل و تردید در ارکان قرارداد اعم از وجود مورد معامله، قابلیت تسلیم و تسلیم مورد معامله و اوصاف اساسی مورد معامله را ملاک و ضابطه حدوث غرر در معاملات قلمداد نموده‌اند.

شهید ثانی (عاملی، ۱۴۱۳، ص ۱۷۸-۱۷۹) نیز به تبعیت از فقهای متقدم یاد شده وجود جهالت نسبت به عوضین و ابعاد مختلف ناظر بر آن را که ممکن است در آینده منجر به ایجاد نزاع بین طرفین معامله گردد را ضابطه ایجاد غرر در معامله دانسته است.

اما فقهای متاخر ضمن تعبیر غرر به خطر مالی در معامله، در معرض خطر قرار گرفتن یکی از عوضین ناشی از ابهام و جهل در یکی از ابعاد معاملی را، ملاک و ضابطه حدوث غرر لحاظ نموده‌اند. یکی از این دسته از فقیهان (مراغه‌ای، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۶۸) درباره معاملات غرری چنین بیان داشته است: معامله‌ای که در آن خطر باشد، غرری محسوب می‌شود و خطر هم عبارت است از احتمال ضرری که از نظر عرف عقلاً قابل اجتناب نباشد نه احتمال ضعیفی که عرف بدان توجهی ندارد. احتمال مؤثر در تحقق ضرر در نتیجه بیع غرری، یا ناشی از عدم اطمینان به وجود مورد معامله و یا ناشی از عدم وثوق به امکان تسلیم و تسلیم آن به وجود می‌آید، اگرچه مورد معامله، معلوم الوجود است و یا همچنین منبعت از عدم اعتماد و اطمینان به موازنه اقتصادی مورد معامله در مقابل عوضش بوده که در نتیجه جهل نسبت به مقدار یا جنس یا وصف آن به وجود می‌آید.

ملا احمد نراقی (نراقی، ۱۴۱۶، ص ۹۳) فقیه هم عصر صاحب عناوین نیز معتقد است که بیع غرری عبارتست از این که یکی از عوضین در خطر باشد، یعنی در شرف تباهی و نابودی باشد. در ادامه ایشان جهالتی را مانع از صحت عقد دانسته که منتج به غرر شود. آن گاه غرر را احتمال خطری قلمداد نموده که عرف از آن اجتناب کرده به گونه‌ای که اگر شخصی از آن اجتناب نکند مورد سرزنش عقلای قوم قرار می‌گیرد. (همان، ص ۱۹).

مرحوم شیخ انصاری (انصاری، ۱۴۲۷، ج ۴، ص ۱۷۸) نیز ضمن پذیرش معنای خطر برای غرر در نتیجه‌گیری از بحث منشا تحقق غرر و عقد غرری می‌فرماید:

کلیه علما و فقها متفق‌اند که در معنای غرر، جهالت اخذ شده است و جهالت قدر جامع بین تفاسیر وارده در معنای غرراست، خواه جهل در اصل وجود مبیع باشد و خواه در حصول آن و خواه

در صفات مبیع از حیث کمیت و کیفیت.

در ادامه شیخ انصاری ادامه می‌دهد در حدیث شریف نبوی در واقع از آن مخاطره‌ای که منجر به نزاع و تشاجر می‌شود نهی شده است. (همان، ص ۱۸۲).

از طرفی امام خمینی (خمینی، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۲۰۴) در کتاب البیع خویش ضمن نقل برخی کلمات شیخ انصاری درباره غرر آن را مورد نقد قرار داده و چنین می‌نویسند:

کلمات شیخ و غیر او درباره غرر مضطرب است، بعضاً جازم‌اند بر این که غرر به معنای جهالت است و در جای دیگر غرر را به معنای خطر یا اقدام بر عملی که ایمن از ضرر نیست آورده‌اند و حال آنکه در هیچ یک از کتب لغوی، غرر را به معنای جهالت تعریف و تفسیر نکرده‌اند؛ زیرا عناوین ذکر شده و تعاریف آورده شده در کتب لغت - حتی غفلت - نیز غیر از عنوان جهالت است و شگفتا از شیخ انصاری که بیان داشته است: «و بالجمله، فالکل متفقون علی اخذ الجهاله فی معنی الغرر ..» به معنا آنکه همه علما متفق‌اند که در معنای غرر جهالت نهفته است.

لکن به نظر ما مستفاد از عبارات به کار گرفته شده در قبل و خصوصاً بعد از عبارت مد نظر، شیخ معنای خطر را برای غرر پذیرفته لکن مسامحتاً با آوردن عبارت اخیر، قصد در بیان این معنا داشته که صرف نظر از توجه یا عدم توجه فقها به معنای خطر برای غرر، در هر حال همه‌ی ایشان بر وجود عنصر ابهام و جهل در ارکان قرارداد در شکل‌گیری غرر اتفاق نظر دارند و نه اینکه شیخ بخواهد متعرض این معنا شود که کلیه‌ی فقها غرر را مترادف و مساوی تک عنصر جهل در معاملات قرار داده‌اند.

البته لازم به بیان است امام خمینی (همان، ص ۲۹۵-۲۹۸) خود، مناسب‌ترین معنای برای غرر را خدعه دانسته و معتقد است سایر معانی همچون خطر به خدعه برگشته و نتیجه آن است. هر چند که ایشان این معنا را غیر اجماعی دانسته و اتفاقاً معنای خطر را مورد اجماع می‌دانند و تخطئه همه افراد را امری مشکل عنوان می‌کنند. این عدم هماهنگی در تعبیرایشان از غرر نسبت به بعض از فقیهان دیگر، از اختلاف نظر در برداشت از معنای لغوی غرر ناشی شده است (نابینی، ۱۴۱۸، ص ۳۷۹) که تحلیل آن ذیل گفتار تعریف لغوی غرر از نظر گذشت.

محقق خوبی (خوبی، ۱۴۱۲، ج ۵، صص ۲۲۶ و ۲۲۸) نیز بر این باور است که اگر غرر را همچون بعضی از اهل لغت به معنا خدعه در نظر بگیریم معنای نهی در حدیث شریف نبوی معادل نهی تکلیفی (حرمت یا کراهت بیع غرری) خواهد بود که منجر به فساد معامله نخواهد شد. اما تعبیر غرر به خطر مطابق نظر برخی دیگر از لغویون، ناظر به حکم وضعی بطلان که مورد نظر اکثر فقه‌های اسلامی بوده، می‌گردد. آن‌گاه ایشان اضافه می‌نمایند که مشهور فریقین برای غرر، معنای

خطر را در نظر گرفته اند و تفاوتی ندارد که این خطر ناشی از ناحیه جهالت نسبت به قدرت بر تسلیم و تسلیم و یا جهالت نسبت به اوصاف کمی یا کیفی مورد معامله باشد. در نهایت ایشان جهل به حصول را نسبت به جهل به صفات دارای غرر اعظم و بیشتر دانسته لکن فساد معامله مشتمل بر جهل به وجود را، ناشی از معامله به چیزی که خارج از مالکیت انسان بوده قلمداد نموده فلذا آن را خارج از مقام و بحث غرر محسوب می‌نماید.

ملاحظه‌ی کلام فقها حکایت از آن داشته که در کلام ایشان لحاظ رکن خطر ناشی از جهل و ابهام در معامله که موجب احتمال تضرر یکی از متعاقدين می‌باشد در شکل‌گیری ماهیت غرر غلبه دارد.

## ۲-۱-۲. تبیین مفهوم خطر ناظر بر غرر در بیان فقها

همانطور که ملاحظه شد چه از منظر لغت و چه از دیدگاه فقها جهالت به‌تنهایی مبنای مناسبی برای تحقق غرر در معامله نیست بلکه ماهیت آن با ابهام متضمن خطر جدی که به تعبیر برخی از فقها (مراغه‌ای، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۱۶ / نراقی، ۱۴۱۶، ص ۹۱) عبارت باشد از احتمال ضرر غیر قابل تسامح از منظر عرف، که معمولاً منجر به اختلاف و نزاع می‌گردد، قوام می‌یابد.

بنابراین موضوع نهی در حدیث نبوی، هر گونه معامله‌ی مبهم توأم با خطر نمی‌باشد، چه آنکه در غیر این صورت بسیاری از قراردادهای معمول در میان مردم به دلیل این که در بردارنده مخاطره‌اند، باید باطل قلمداد شوند، مثل معامله تاجری که، محموله کشتی را که هنوز به مقصد نرسیده و هر لحظه احتمال غرق شدن آن می‌رود، خریداری می‌کند یا کالایی را که احتمال سقوط قیمت آن در بازار می‌رود، به قیمت گزاف، خریداری می‌کند، بلکه برای تحقق غرر، اولاً خطر باید ناشی از ابهام در اطلاعات ناظر بر ارکان قرارداد حین انعقاد عقد باشد. ثانیاً خطر به اندازه‌ای باشد که عرف بدان اقدام نمی‌کند.

نموده‌هایی از شریعت نیز گویاست که شارع مقدس، باب ریسک و خطر را در معاملات را صد در صد نبسته و تا حدودی آن را پذیرفته و اصالت را در مواردی به اراده دو طرف قرارداد داده است. پذیرش سهم محسوسی از جهالت در عقودی مثل مزارعه، ضمان از دینی که مقدار آن معلوم نیست، جواز خرید فروش میوه نارس روی درخت، بیمه و... نمونه‌هایی بارز از پذیرش قراردادهای احتمالی با سهم مشخصی از ریسک، در شریعت هستند. گویا عامل نیاز جامعه و کم توجهی عرف به احتمال ضرر در قراردادهای مزبور، سبب شده که قانونگذار از مشی عرف تبعیت نموده و مصلحت نفوذ معامله احتمالی را بر زیان‌های آن ترجیح داده و مهر تأیید بر آن زند. این وضعیت را به نوعی



می‌توان متاثر از رویه رایج در میان خردمندان دانست که این‌گونه نیست که ایشان در معاملات خود هر نوع ریسکی را برنتابند. (برای مطالعه بیشتر، رک: علیدوست، ۱۳۹۸، ص ۱۴۳-۱۴۶).

### ۲-۱-۳. غرر در لسان حقوقدانان

اگرچه غرر در قوانین موضوعه ایران به صورت مستقیم تعریف نشده است و به تبع آن حقوقدانان نیز در آثار خود کمتر به این مقوله پرداخته‌اند؛ لیکن درهرحال می‌توان با بهره‌گیری از پرداخت مختصری که حقوقدانان در این خصوص داشته‌اند و با استفاده از مواد مختلف قانون مدنی به تعریف اصطلاحی حقوقی غرر در فضای حقوق ایران دست یافت؛ چنان‌که در ترمینولوژی حقوق درباره غرر و عناصر متشکله آن، آمده است که عناصر غرر عبارت‌اند از:

الف) جهل؛

ب) احتمال حصول ضرر از ناحیه جهل.

بنابراین اگر کسی عقدی منعقد نماید و به یکی از جهات معامله، جاهل باشد و از ناحیه جهل برای او احتمال حصول ضرری در بین باشد، عقد، غرری و باطل است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۵، ص ۴۸۹).

یکی از حقوقدانان نیز بعد از نقد و بررسی کلمات فقها در تعریف غرر و معامله غرری چنین جمع‌بندی کرده و می‌نویسد:

معامله غرری هرگونه قراردادی است که مشتمل بر نوعی فریب یا مخاطره است خواه این فریب یا خطر به دلیل مجهول بودن مورد معامله و یا چیز دیگری مانند عدم قدرت بر تسلیم مورد معامله باشد. (وحدتی شبیری، ۱۳۷۹، ص ۶۰).

برخی دیگر از نویسندگان (رفیعی، ۱۳۷۸، ص ۲۸) نیز غرر را این چنین تعریف نموده است: «غرر مترادف جهل نیست، بلکه غرر ناشی از جهل و به تعبیری مستلزم آن است و نتیجه آن، خطر و احتمال ضرر و زیان می‌باشد.» به نظر می‌رسد این تعریف به آنچه در تعریف از غرر در ترمینولوژی حقوق آمده است، نزدیک باشد و به نوعی آن تعریف را دقیق‌تر نموده است.

### ۲-۱-۴. نظریه مختار در شناسایی ماهیت اصطلاحی غرر

به نظر می‌رسد از آراء فقها و حقوقدانان و با استمداد از معنای لغوی غرر چنین نتیجه‌گیری شود که در اصطلاح فقهی-حقوقی عقد غرری به عقدی گفته می‌شود که ابهام موجود در ارکان

قراردادی آن موجب شود یکی از عوضین در معرض خطر مالی قرار گرفته و آن خطر بر صاحب آن عوض در موقع انعقاد قرارداد تحمیل گردد. البته این خطر می‌تواند ناشی از ابهام در زوایای مختلف معامله اعم از تردید در اصل وجود مورد معامله و یا ناشی از تردید در قدرت تسلیم یا تسلیم مورد معامله و یا ناشی از جهل به صفات و چه ناشی از شک و تردید نسبت به حصول مورد معامله باشد.

### ۲-۳. غرر و ضمانت اجرای آن در مستندات روایی

حدیث شریف نبوی با مضمون «ان رسول الله نهی عن بیع الغرر» که از طریق امام رضا (ع) نقل شده است (تمیمی مغربی، ۱۳۸۳، ص ۲۱/ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۴۴۷/ ابن بابویه، ۱۴۳۱، ج ۲، ص ۵۰، ح ۱۶۸) مهم‌ترین روایتی است که در کتب فقهی و روایی شیعه بدان استناد شده و بر اساس آن معامله غرری مورد نهی و ممنوع اعلام شده و البته فقهای همه مذاهب اسلامی نیز آن را معتبر دانسته‌اند (الضریر، ۱۹۹۰، ص ۵۸-۵۹) و به تبع آن در قوانین مدنی کشورهای اسلامی از جمله قانون مدنی ایران و مصر، موادی مرتبط با آن درج گردیده است.

از منظر اصولیون در صورتیکه نهی وارده در میان نصوص، بر اعتبار امری در زمره شرایط متعاقبین و یا عوضین دلالت کند؛ مانند نهی از معامله سفیه یا مجنون که بر اعتبار عقل و بلوغ در متعالمین دلالت داشته و یا مانند نهی از معامله غرری در حدیث شریف نبوی که فهم عرفی از آن حدیث، بر اعتبار اشتراط قدرت بر تسلیم و یا علم به اوصاف کمی یا کیفی مورد معامله حکایت دارد؛ در این‌گونه موارد بدون شک نهی بر فساد معامله دلالت می‌کند. (مظفر، ۱۴۰۵، ص ۳۰۶ به بعد / وحدتی شبیری، ۱۳۷۹، ص ۶۹).

بنابراین نهی وارد شده در خصوص معاملات غرری از منظر فقها به نحو اجماع بیانگر فساد در معامله است (انصاری، ۱۴۲۷، ج ۴، ص ۱۷۶/ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۲، ص ۳۸۷/ نراقی، ۱۴۱۶، ص ۲۸/ مراغه‌ای، ۱۴۱۷، ص ۲۶۷/ نایینی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۳۷۹) چراکه این نهی ناظر به عدم رعایت یکی از شرایط اساسی صحت عقد در نظر شارع است.

### ۲-۴: ضابطه شناسایی ابهامات معاملی موثر در ایجاد غرر

در فقه اسلامی ابهام در معامله می‌بایست اصطلاحاً کثیر بوده و قابل چشم پوشی نباشد تا منجر به ایجاد غرر گردد. (حسینی عاملی، ۱۴۱۸، ج ۸، ص ۴۹۴/ محمدی، ۱۳۸۲، ص ۷۱/ مراغه‌ای، ۱۴۱۷، ص ۳۱۶/ نراقی، ۱۴۱۶، ص ۹۴/ الضریر، ۱۹۹۳، ص ۳۹ به بعد/ سنهوری، ۱۹۹۷، ج ۳،

ص ۴۵) به دیگر سخن احتمال ضرر ناشی از جهل و تردید در معامله باید آنچنان قابل توجه و اصطلاحاً کثیر جلوه نموده که موجب ائصاف و غلبه آن ابهام بر معامله می‌گردد و عرف با ملاحظه آن ابهام، معامله را خطرناک و لازم الاحتراز تلقی می‌کند. یکی دیگر از نویسندگان (صمدانی، ۱۳۹۹، ص ۶۱) نیز در توضیح غرر کثیر یا به تعبیر ما ابهام کثیر، آن را ابهامی در معامله دانسته که معمولاً باعث تنش و درگیری میان طرفین عقد در مرحله اجرای آن می‌شود. برای شناسایی این شاخص در معامله معمولاً مثال فروش پرنده‌ای در هوا زده می‌شود که عادتاً بازگشت و بالتبع قابلیت تسلیم و تسلیم آن مشخص نباشد، زده می‌شود.

متقابلاً احتمال ضرر ناشی از جهل در معامله گاهی آنچنان ناچیز و اصطلاحاً یسیر است که اساساً مورد توجه و اعتنای طرفین و عرف جامعه قرار نمی‌گیرد و از این حیث معامله متصف به آن محسوب نمی‌گردد. چنین ابهامی از نوع غیر مؤثر در غرر و بطلان عقد محسوب می‌گردد. مثلاً در عقد اجاره‌ای که به مدت یک ماه قمری و به مال الاجاره مشخص منعقد می‌شود ولی معلوم نباشد ماه ۲۹ روزه یا سی روزه است این میزان از ابهام را هیچکس مؤثر در ایجاد غرر تلقی نمی‌کند.

### ۳- وضعیت فقهی و حقوقی معامله به مال آینده

در فقه و حقوق موضوعه، مصادیقی وجود دارد که موضوع عمل حقوقی هنگام عقد وجود ندارد بلکه در آینده ایجاد می‌شود و از آن تعبیر به مال آینده می‌شود. همچون اجاره که موضوع آن منافع عین است و حین العقد به صورت کامل موجود نشده است. این موضوع در طول زمان و در اثنای مدت اجاره ایجاد می‌شود و کسی نیز در صحت آن تردید نمی‌کند. با وجود این در برخی موارد مثل پیش فروش محصولات کشاورزی و مصنوعات بشری که وجود یافتن مورد معامله در آینده می‌تواند مورد تردید قرار گیرد و مورد اطمینان نباشد، توسط فقیهان و حقوقدانان با استناد به قاعده‌ی غرر و البته برخی دیگر از موانع نظر به بطلان این گونه معاملات رفته است. در این مجال این رویکرد در فضای فقه اسلامی و حقوق ایران و مصر مورد نقد و بررسی قرار گرفته و نهایتاً نظریه مختار ارائه می‌گردد.

### ۳-۱ بررسی موضوع در فقه اسلامی

روایات متعددی از سوی محدثین شیعه وارد شده که از فروش میوه یکساله قبل از ظهور و اصطلاحاً بدو صلاح و یا فروش حمل قبل از تولد منع می‌کند و صحت فروش میوه قبل از ظهور را منوط به ضمیمه شدن با مال موجود دیگر یا فروش اثمار برای دو یا چند سال می‌نماید که این دو شیوه

به نوعی بر اساس اعتبار شرطی مبنی بر لزوم اطمینان به وجود یافتن مورد معامله و لزوم اطمینان از عدم بلاعوض ماندن موضوع معامله‌ی معاوضی و مغایبی می‌باشد. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۸، ص ۲۰۹ به بعد)

در عین حال فقیهان علاوه بر مطمح نظر قرار دادن روایات مزبور با استناد به قاعده نفی غرر یکی از شرایط صحت معامله را علم به وجود عوضین و وثوق نسبت به آن محسوب نموده و بر آن ادعای اجماع نموده‌اند. (مراغه‌ای، سید میر عبدالفتاح، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۱۱؛ نراقی، ملاحمد، ۱۴۱۷، ص ۹۴-۹۵)<sup>۱</sup> چراکه معامله‌ی بر مالی که اطمینانی به وجود یافتن آن در آینده نمی‌رود را مشمول عنوان غرر و خطر در معامله دانسته‌اند. به عنوان نمونه شهید ثانی (عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۳۵۴) خرید و فروش میوه درختان قبل از آشکار شدن آنها را اگرچه در شکوفه یا پوست باشند به علت وجود غرر در معامله باطل دانسته است. همچنین صاحب جواهر (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱۹، صص ۵۶ و ۷۷)، ضمن شرط دانستن علم به وجود مورد معامله حین انعقاد عقد، اذعان نموده مثلاً فروش میوه و سبزی قبل از آشکار شدن آن به علت غرری بودن باطل می‌باشد، چرا که در موارد مزبور اطمینانی به حصول مورد معامله وجود ندارد و احتمال به نتیجه نرسیدن و معدوم گشتن مورد معامله در این موارد و در نتیجه آفت و مانند آن متصور است.

در فقه اهل سنت نیز بیع معدوم یعنی بیعی که موضوع آن حین انعقاد عقد وجود نداشته و به وجود آمدن آن در آینده مجهول بوده و مورد اطمینان نباشد، مثل فروش محصولات کشاورزی قبل از ایجاد شدن آنها باطل و بعضی از فقهای عامه نیز بر آن ادعای اجماع نموده‌اند. مثلاً ابو اسحاق شیرازی فقیه شافعی مسلک در بطلان بیع معدوم استناد به حدیث نبوی مبنی بر نهی از غرر را نموده است. چراکه از منظر وی غرر هم چیزی است امر آن در هم پیچیده و عاقبت آن مخفی بوده و بیع معدوم نیز چنین ماهیتی دارد. (شیرازی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۶۲)

در عین حال علاوه بر این، ایرادات دیگری نیز به بیع مالی که هنوز موجود نشده است در فقه اسلامی وارد شده است.

نظیر آنکه بیع یک عقد تملیکی است و تملیک نیازمند محل موجود بوده و به معدوم تعلق نمی‌گیرد. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۴، ص ۵۶) به بیان دیگر ملکیت عرضی از اعراض است و همان گونه

<sup>۱</sup> مراغه‌ای، سید میر عبدالفتاح، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۱۱: «و یوضح من هذه القاعدة اشتراط العلم بوجود العوضین و الوثوق به، و لذا اشترطوا فی السلم أن یكون المبیع عام الوجود فی رأس الأجل حتی یوثق بوجوده، و اشترطوا عدم کون العوض مما أشرف علی التلف و الهلاک، لعدم الاعتماد علی وجوده، و نظائر ذلك. و کذا اشتراط القدرة علی التسليم أو التسلم فی وجه قوی، بمعنی لزوم کون العوضین مما یمكن عادة حصوله لجانب»؛ نراقی، ملاحمد، ۱۴۱۷، ص ۹۴-۹۵: «و ثانيها: الخطر باعتبار عدم الوثوق بتحقق وجوده، بأن یكون أحدهما غیر موثوق بتحقيقه و خروجه إلى فضاء الوجود علی ما هو المقصود من المبايعه، فيكون هو فی معرض التلف، أو یكون عوضه كذلك.»

که سفیدی و سیاهی نیاز به محلی برای برای ظهور و بروز دارد، ملکیت نیز احتیاج به محل داشته تا ایجاد شود و بدون تحقق این مهم تملیک به عنوان اثر اصلی عقد بیع و به معنا انتقال مالکیت نیز ممکن نخواهد بود.

به عقیده نگارنده گان به خلاف نظر مشهور فقیهان در خصوص موضوع مانحن فیه، باید طرحی دیگر ریخت و بطلان معامله‌ی مال آینده را در صورتیکه عادتاً ممکن الوجود باشد مشمول عنوان غرر و مواجه با دیگر ایرادات محسوب نکرد و از این رو نباید آن را باطل دانست. چرا که: الف) احادیثی که بیع ثمره را را قبل از ظهور منع می‌کند دلالت بر تحریم نمی‌کند. کما آنکه پاره‌ای از روایات پیش فروش میوه را قبل ظهور البته در صورتیکه پیش فروش برای دو یا چند سال باشد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۷۵)<sup>۱</sup> یا با وجود ضمیمه خارجی (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۷۶)<sup>۲</sup> را صحیح دانسته و بر این اساس بعض از فقها فروش میوه را قبل از آشکار شدن آنها جایز دانسته‌اند. (روحانی، ۱۴۱۲، ج ۱۶، ۱۵ و ۱۷، ص ۱۹۷)<sup>۳</sup> از طرفی تأکید بر لزوم وجود ضمیمه در پیش فروش میوه در روایات پیش گفته به منظور ایجاد ساز و کاری جهت دفع غرر در معامله و احتراز از حالتی که موضوع عقد در مقابل هیچ مابه ازائی قرار نگیرد، در نظر گرفته شده است؛ نه به دلیل آنکه مورد معامله می‌بایست لزوماً حین معامله وجود خارجی داشته باشد. در همین راستا روایات متعدد وارد شده است که فروش میوه برای دو یا چند سال قبل از ظهور را صحیح و بلا مانع محسوب نموده است. (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۸۷؛ کلینی، منبع پیشین، ج ۵، ص ۱۷۵)

ب) با توجه به آنچه که از تحلیل ضابطه‌ی ایجاد غرر در معاملات و مبانی عرفی آن در بخش اول از این مقاله از نظر گذشت، هر گاه در دید عرف احتمال حصول مورد معامله در آینده عادتاً وجود داشته باشد، به نحوی که عقلا و خردمندان جامعه به چنین معامله‌ای مبادرت ورزند و حصول موضوع معامله را ممکن شمارند، باید حکم به صحت آن و خروج معامله از ذیل عنوان غرر را داد. چراکه هر گاه طبق روال عادی امور امکان تحصیل مال در آینده زیاد باشد و در عین حال

<sup>۱</sup> کلینی، ۱۴۰۷ ه ق، صص ۱۷۴ و ۱۷۵: «عَنْ الْخَلْبِيِّ قَالَ: سَأَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ شِرَاءِ النَّخْلِ وَالْكَرْمِ وَالْتِمَارِ ثَلَاثَ سِنِينَ أَوْ أَرْبَعَ سِنِينَ قَالَ لَا بَأْسَ بِهِ يَقُولُ إِنَّ لَمْ يُخْرَجْ فِي هَذِهِ السَّنَةِ أُخْرَجَ فِي قَابِلٍ وَإِنْ اشْتَرَيْتَهُ فِي سَنَةٍ وَاحِدَةٍ فَلَا تَشْتَرِهِ حَتَّى يَبْلُغَ فَإِنْ اشْتَرَيْتَهُ ثَلَاثَ سِنِينَ قَبْلَ أَنْ يَبْلُغَ فَلَا بَأْسَ ...»

<sup>۲</sup> «کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۷۶: «عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ بَيْعِ الثَّمَرَةِ هَلْ يَصْلُحُ شِرَاؤُهَا قَبْلَ أَنْ يُخْرَجَ طَلْعُهَا فَقَالَ لَا إِلَّا أَنْ يُشْتَرَى مَعَهَا شَيْئًا غَيْرَهَا رَطْبُهُ أَوْ بَقْلًا فَيَقُولُ اشْتَرَى مِنْكَ هَذِهِ الرُّطْبَةَ وَ هَذَا النَّخْلُ وَ هَذَا الشَّجَرُ بَكْنًا وَ كَذَا فَإِنْ لَمْ تَخْرُجْ الثَّمَرَةُ كَانَ رَأْسَ مَالِ الْمُشْتَرَى فِي الرُّطْبَةِ وَ الْبَقْلِ وَ سَأَلْتُهُ عَنْ وَرَقِ الشَّجَرِ هَلْ يَصْلُحُ شِرَاؤُهَا ثَلَاثَ خَرَطَاتٍ أَوْ أَرْبَعَ خَرَطَاتٍ فَقَالَ إِذَا رَأَيْتَ الْوَرَقَ فِي شَجَرَةٍ فَاشْتَرِ فِيهِ مَا شِئْتَ مِنْ خَرَطِهِ»

<sup>۳</sup> روحانی، سید صادق، منبع پیشین، جج ۱۵، ۱۶ و ۱۷، ص ۱۹۷

مشخصات و اوصاف مورد معامله که در قیمت آن موثر هستند، معلوم باشد، معامله از منظر عرف در معرض ریسک معتنا بهی قرار نداشته تا غرر در معامله، شکل بگیرد. این قاعده از کلام فقیهان و نحوه‌ی بحث ایشان در خصوص یکی دیگر از محورهای ایجاد غرر در موضوع معاملات یعنی عدم اطمینان به قابلیت تسلیم و تسلّم مورد معامله قابل برداشت است. در این راستا ایشان اگر چه بیع پرنده در هوا را به دلیل عدم اطمینان به قابلیت تسلیم و تسلّم باطل دانسته اند؛ مع الوصف هرگاه پرنده‌ای در حال پرواز باشد که حسب عادت به آشیانه‌ی خود بازگردد بیع آن را صحیح دانسته‌اند. (حلی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۲۲) در حقیقت در فروش پرنده‌ای که در قفس نیست، بلکه در آسمان پرواز می‌کند، گر چه عادت به بازگشت داشته باشد، هیچ گاه قطع به برگشت حاصل نمی‌شود، بلکه ظن و اطمینان عرفی بازگشت پرنده وجود دارد و فقها همین ظن عرفی و روال متعارف را ملاک قرار داده و بدین خاطر حکم به صحت آن داده‌اند.

البه اوضاع و احوال خاص حول هر مصداقی، در ارزیابی معتنا به بودن یا نبودن ریسک ناشی از موجود نبودن مورد معامله حین عقد از منظر عرف موثر خواهد بود. به عنوان مثال پیش خرید محصولات کشاورزی در منطقه خوش آب و هوا که طبق عرف کشاورزی منطقه احتمال بروز آفت ناگهانی بعید می‌نماید، باید غیر غرری و صحیح تلقی شود. بر عکس پیش خرید چنین محصولاتی را در منطقه‌ای که احتمال از بین رفتن محصولات کشاورزی طبق رویه متعارف و وضعیت آب و هوا و دیگر شرائط منطقه زیاد می‌باشد، باید غرری و باطل شمرد. از ملاک برخی از احادیث برای اثبات آنچه گفته شد می‌توان استفاده نمود. به عنوان مثال، هشام ابن سالم از امام صادق (ع) پرسید: «در قریه‌ای آسیاب، درختان خرما، باغ، کشتزار و یونجه وجود دارد. آیا

محصول آنجا را بخرم؟ حضرت فرمودند: اشکال ندارد.» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۸، ص ۲۱۹)<sup>۱</sup> وجود آسیاب، درختان و کشتزار نشان می‌دهد که منطقه مزبور برای کشاورزی مناسب بوده و احتمال رسیدن محصول در آن بالاست و عرفاً قرارداد پیش خرید چنین محصولی مشتمل بر ریسک معتنا به نمی‌باشد. به همین خاطر امام (ع) حکم به صحت چنین قراردادی داده‌اند.

این رویکرد مورد تایید تعدادی از فقیهان شیعه و سنی نیز قرار دارد. به عنوان مثال، مرحوم نراقی گفته‌اند: شرط است که مبیع موجود بوده یا انتظار حصول آن قوی باشد. برخی از فقهای معاصر نیز گفته‌اند: روایات بطلان بیع معدوم منصرف به مواردی است که مبیع در خارج شناخته

<sup>۱</sup> حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۸، باب جَوَازِ بَيْعِ الشَّمَارِ قَبْلَ بُدْوِ الصَّلَاحِ مَعَ الضَّمِيمَةِ، ص ۲۱۹، ج ۲: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ قَرْنِيَّةٍ فِيهَا رَحَى وَ نَخْلٌ وَ بُسْتَانٌ - وَ زَرْعٌ وَ زَمْبَةٌ اشْتَرَى غَلَّتَهَا قَالَ لَا بَأْسَ.»

شده نباشد و اطمینانی به تحقق آن در ظرف زمانی خودش نباشد که موجب رفع غرر و خطر گردد. (هاشمی شاهرودی، پائیز و زمستان ۱۳۷۸، ص ۱۶)

از طرفی استفاده از قاعده ضمیمه در فروش میوه نشان می‌دهد که اگر ترتیبی برای کاهش ریسک در معامله و دفع غرر پیش بینی شود و لو اینکه موضوع عقد موجود نباشد، معامله صحیح خواهد بود. امام (ع) نیز بدین دلیل که اگر ثمره حاصل نشود، ثمن در برابر ضمیمه قرار می‌گیرد، حکم به صحت چنین معامله‌ای داده‌اند. همچنین تجویز فروش ثمره برای دو یا چند سال توسط امام (ع) بدین دلیل بوده که اگر امسال ثمرات به بار ننشینند سال آینده بار خواهد داد و به هر حال ثمن در مقابل آن قرار گرفته و بدون مابه‌ازاء نمی‌ماند. (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۸۷)

در همین راستا در فقه اهل سنت بعضی از نویسندگان معاصر (الضریب، ۱۹۹۳، ص ۲۹؛ الزیلعلی الحنفی، ۱۳۱۳، ج ۴، ص ۱۲۴) چنین نظر داده‌اند که بطلان بیع معدوم، نه به دلیل موجود نبودن مورد معامله حین العقد است؛ بلکه به جهت تصور وجود غرر در این گونه معاملات می‌باشد. پس با امان نظر به این مهم می‌بایست در بیع معدوم از این قاعده قاعده مبنی بر غرری بودن و بطلان بیع معدومی که به وجود آمدن آن در آینده کاملاً در هاله‌ای از ابهام باشد و از این جهت متضمن خطر معتنا به از منظر عرف باشد تبعیت نمود و اما همچنین فروش معدومی که حسب عادت وجود آن در آینده امکان پذیر است صحیح تلقی شود.

بدین ترتیب پیش فروش تمام محصولات کشاورزی در صورتی که احتمال بروز آفات و بالتبع از امکان از بین رفتن محصولات در نظر عرف محتمل جلوه نکند بر اساس روال عادی امور ظن نوعی و عرفی به تحقق ثمرات وجود داشته باشد، را می‌بایست غیر غرری و صحیح باید دانست. همچنین فروش مصنوعات بشری که ظن عرفی و نوعی برای امکان به وجود آمدن وجود دارد را نیز باید صحیح شمرد. خصوصاً اینکه امکان ایجاد مال در آینده در مصنوعات بشری از محصولات طبیعی بیشتر است. چراکه در به وجود آمدن محصولات کشاورزی و طبیعی عوامل گوناگون طبیعی ممکن است به نتیجه رسیدن محصول را با مانع روبه‌رو سازد در حالیکه در محصولات صنعتی و تولیدی عوامل طبیعی دخالت‌چندانی ندارند و از طرفی دخالت عوامل انسانی به طور معمول قابل پیش‌بینی است.

تولید کنندگان و سازندگان کالاها و مصنوعات بشری، با توجه به امکانات و ابزارها و ماشین‌آلاتی که در اختیار دارند، به امر تولید می‌پردازند و بر اساس سیر طبیعی و روال عادی امور، به تولید محصولات و کالاها ادامه داده، به ساخت کالاها مبادرت می‌ورزند و در موعد مقرر نیز کالای ساخته شده را تحویل می‌دهند. در نتیجه ابهام و تردید متصور در قرار دادهای پیش خرید چنین

اموالی را باید از نوع غیر موثر در ایجاد غرر محسوب نمود. به همین دلیل است که در عرف جامعه از پیش خرید محصولات نظیر خودرو از شرکت‌های تولید کننده آن استقبال شده و احترازی از آن وجود ندارد.

بنابراین بر اساس مبانی فقهی در معاملاتی که موضوع آن مال آینده بوده و امکان به وجود آمدن آن حسب روال طبیعی امور و با در صد بالا معامله مشتمل بر عنوان غرر محسوب نشده و می‌بایست با وجود سایر شرایط صحیح محسوب گردد. این در حالیست که اگر امکان به وجود آمدن موضوع معامله عادتاً ضعیف باشد معامله مشتمل بر غرر و باطل تلقی شود.

ج) در پاسخ به ایراد دیگری که بر معامله به مال آینده وارد شده مبنی بر اینکه مالکیت و انتقال آن بدون وجود موضوع خارجی ممکن نبوده باید گفت هر چند که در عقود تملیکی انتقال مالکیت مقتضای عقد بوده و البته انتقال این حق بدون وجود موضوع ناممکن است. لکن باید توجه داشت که این تملیک می‌تواند فوری و منجز و همچنین می‌تواند با تاخیر و به نحو معلق صورت گیرد. بنابراین در معامله تملیکی به مال آینده در واقع اتفاقی که رخ می‌دهد عبارتست از آنکه عقد منجزا منعقد و انتقال مالکیت معلق به وجود یافتن موضوع آن یا همان مورد معامله گردیده است. بنابراین روشن است که این ایراد نیز مخدوش و غیر وارد ارزیابی می‌شود. (کریمی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۱)

### ۳-۲ بررسی موضوع در حقوق موضوعه ایران و مصر

در فضای حقوق موضوعه در ایران برای بطلان بیع مال آینده بعضی از حقوقدانان (شهیدی، ۱۳۹۸، صص ۳۰۸ و ۳۰۹) استناد به ماده‌ی ۳۶۱ قانون مدنی مشعر بر «اگر در بیع عین معین معلوم شود که مبیع وجود نداشته، بیع باطل است.» نموده و چنین نظر داده که اگر مبیع عین معین باشد و پیش از انعقاد قرارداد وجود داشته ولی حین عقد از بین رفته باشد و یا اینکه حین العقد وجود نداشته و مقرر باشد در آینده به وجود بیاید به دلیل عدم امکان انتقال مالکیت مال غیر موجود چنین قراردادی باطل است.

با وجود این نوع نگاه به ماده قانونی مزبور، بعضی دیگر از حقوقدانان (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۲۷۵) در تفسیر این ماده قائل به تفصیل شده و بین فرضی که طرفین حین انعقاد عقد اراده انتقال مالکیت مال موجود و فرضی که طرفین اراده انتقال مالکیت مالی که در آینده موجود می‌شود، قائل به تفکیک شده‌اند. در فرض نخست چون حق مالکیت قائم به معدوم نمی‌تواند باشد طبیعی است که انتقال آن نیز متصور نمی‌تواند باشد و چنین قراردادی لاجرم محکوم به بطلان است. اما



در فرض دوم که طرفین عقد را به گونه‌ای طرح ریزی نموده اند که فرآیند تملیک و انتقال مالکیت بعد از وجود یافتن مال آینده طرح ریزی شده است اشکال متصور در فرض اول در اینجا جاری ندانسته اند. چراکه حق مالکیت بعد از ایجاد انتقال یافته و هیچ گاه بر معدوم استوار نمی‌گردد. در نتیجه هر گاه مفروض طرفین بر آن باشد که مبیع در زمان انعقاد قرار داد وجود خارجی ندارد و در آینده ایجاد می‌شود، موضوع، مضمون ماده ۳۶۱ قانون مدنی نخواهد بود.

ظاهر ماده‌ی ذکر شده که مقرر می‌دارد: «اگر در بیع عین معین معلوم شود که مبیع وجود نداشته، بیع باطل است.» نیز برداشت مزبور را تأیید می‌کند، زیرا از منطوق ماده چنین بر می‌آید که فرض آن معطوف به حالتی است که بنای طرفین بر مال موجود است.

در عین حال به نظر می‌رسد دلیل اصلی بطلان معامله در فرض نخست مطابق با ماده قانونی اخیرالذکر فقدان موضوع و بالتبع امتناع انتقال مالکیت است در حالیکه در فرض دوم یعنی معامله به مال آینده قرارداد دارای موضوع بوده لکن موضوع آن مالی است که در آینده به وجود می‌آید.

در خصوص شائبه غرر در بیع مالی که موجود نیست استاد کاتوزیان (کاتوزیان، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۱۸۴) به درستی خاطر نشان ساخته که درباره رفع احتمال عدم وجود یافتن مورد معامله و به تبع غرر نباید مبالغه کرد و وجود قطعی موضوع معامله حین العقد را از شرایط صحت معامله‌ی مذکور بر شمرد. بلکه همین اندازه که در دید عرف معامله از شکل‌هایی همچون گروپندی و بازی با احتمال خارج شود کافی است. به ویژه که گاه نیاز عمومی و عادات و رسوم نفوذ این گونه قراردادها را می‌طلبد و در ذهن حقوقدان و قانونگذار تأثیر می‌گذارد. ایشان برای رویکرد اتخاذی خود چنین استدلال کرده که در فقه اسلامی نیز در این گونه معاملات از پاره‌ای از ریسک‌ها به خاطر همین نگاه عرفی صرف نظر می‌شود. مثل آنکه قاطبه‌ی فقیهان فروش میوه‌ی سر درخت و به تخمین را البته به شرط آنکه دانه بسته و رنگ انداخته باشد و به اصطلاح به مرحله‌ی بدو صلاح رسیده باشد جائز و صحیح تلقی کرده اند در حالیکه همچنان احتمال ریختن میوه و آفت زدن آن و یا به سرقت رفتن اثمار وجود دارد. از جان مایه‌ی استدلال‌های استاد فقیه به خوبی قاعده‌ی عمومی که در قبال عدم اطمینان به وجود یافتن مورد معامله مورد نظریه پردازی قرار دادیم مبنی بر آنکه همین که با امعان نظر به روال عادی امور عرف وجود یافتن مورد معامله را تأیید کند غرر در چنین معاملاتی دفع و عقد صحیح ارزیابی می‌شود.

در حقوق مصر نیز بعضی از نویسندگان با درک درستی که از مبانی عرفی قاعده‌ی غرر در تعیین حدود و ثغور آن داشته اذعان نموده که اگر قصد طرفین بر مبیع موجود بوده ولی در واقع مبیع موجود نباشد، عقد باطل است. لکن هر گاه قصد طرفین بر معامله‌ی مال آینده باشد خللی بر

صحت عقد وارد نخواهد آمد مشروط بر اینکه در آینده حصول مورد معامله ممکن باشد. در ادامه حقوقدان مزبور خاطر نشان می‌سازد واقعیت این است که معامله‌ی شی آینده امروزه بسیار اتفاق می‌افتد. مثلاً صاحب کارخانه‌ای مقدار معینی از محصولش را پیش از تولید می‌فروشد و گاه کشاورز، محصولات زمینش را پیش از رویش به فروش می‌رساند و ... . تمامی اینها عقود هستند که موضوع آنها در آینده ایجاد شده و صحیح هستند. (سنه‌وری، بی‌تا، ج ۱، صص ۳۷۶-۳۸۳)

در همین راستا و با همین نوع نگاه بند ۱ از ماده ۱۳۱ قانون مدنی مصر<sup>۱</sup> تنظیم شده و اشعار می‌دارد: «جایز است محل التزام شیء آینده باشد.» همچنین ماده ۱۳۲ قانون مدنی آن کشور<sup>۲</sup> نیز به بطلان بیعی که در آن مبیع از مصادیقی بوده که به وجود آمدنش محال است اشاره می‌نماید. از مفهوم مخالف این ماده صحت بیعی که موضوع آن، مال آینده‌ای باشد که حسب عادت محقق الوجود باشد استنباط می‌شود.

### نتیجه‌گیری و پیشنهاد:

۱- با دقت نظر در متون فقهی و آراء فقها و حقوقدانان به‌خوبی فهمیده می‌شود که غرر به مفهوم خطر یک تأسیس شرعی یا قانونی نبوده بلکه یک‌نهاد عرفی است که برای درک مفهوم و حدود آن می‌بایست به عرف مراجعه کرد. امروزه عرف هرگونه جهل را که توأم با قدری از احتمال ضرر باشد را در معاملات خطرناک و بالتبع غرری محسوب نداشته بلکه جایی که ابهام در معامله توأم با احتمال ضرر معتنا به عرفی و غیر قابل اغماض باشد را می‌بایست مؤثر در ایجاد غرر محسوب نمود.

۲- همین که در دید عرف احتمال حصول مورد معامله در آینده زیاد باشد، به نحوی که عقلاء و خردمندان جامعه به چنین معامله‌ای مبادرت ورزند و حصول موضوع معامله را ممکن شمارند، برای دفع غرر کافی بوده و باید حکم به صحت آن داد چراکه به وجود آمدن مورد معامله حسب جریان عادی امور موجب شده معامله از منظر عرف از حالت خطرناک خارج شود. متقابلاً جایی که احتمال به وجود آمدن مورد معامله بعید یا ضعیف محسوب شده مال ایکه به عنوان مابه‌ازاء پرداخت شده در معرض تضییع و به تبع خطر قرار داشته و بدون شک این معامله مشمول عنوان غرر و حکم وضعی بطلان قرار خواهد گرفت. البته قضاوت در خصوص تحقق یا عدم تحقق این ضابطه در بسیاری از موارد تابع اوضاع و احوال حول موضوع می‌باشد.

<sup>۱</sup> بند ۱ ماده ۱۳۱ قانون مدنی مصر: يجوز ان يكون محل الالتزام شيئاً مستقبلاً.  
<sup>۲</sup> ماده ۱۳۲ قانون مدنی مصر: اذا كان محل الالتزام مستقبلاً في ذاته كان العقد باطلاً.

۳- از طرفی روایاتی که به ظاهر از معامله به مالی که هنوز به وجود نیامده نهی می‌نمود به نوعی موید این قاعده‌ی عمومی مذکور در بند ۲ در تعیین تکلیف معامله‌ای که موضوع آن هنوز وجود پیدا نکرده است می‌باشد. در واقع نهی از پیش فروش محصولات کشاورزی و باغداری و توصیه به وجود ضمیمه در معامله مذکور و یا ارائه راهکار پیش فروش محصولات مزبور برای دو یا چند سال همگی حکایت از ایجاد ظن نوعی برای بلا عوض باقی نماندن مابه‌ازائی است که اشخاص برای معاملات اخیر الذکر پرداخت می‌نمایند می‌باشد.

۴- نهایتاً برای تنقیح موضوع در حوزه‌ی قانونگذاری و پایان دادن به اختلاف نظرها در حوزه‌ی دکتربین، الحاق یک تبصره به ماده ۳۶۱ قانون مدنی مورد پیشنهاد است:  
«فقد موضوع عقد در حین انعقاد در بیع مال آینده، در صورتیکه مورد معامله حسب جریان عادی امور ممکن الحصول باشد خللی به صحت عقد وارد نمی‌سازد.»

## منابع و مأخذ

### الف) منابع فارسی

۱. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی در حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ شانزدهم، تهران، ۱۳۸۵.
۲. رفیعی، محمد تقی، مطالعه تطبیقی غرر در معامله، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، چاپ اول، قم، ۱۳۷۸.
۳. شهیدی، مهدی، تشکیل قراردادهای و تعهدات، انتشارات مجد، چاپ سوم، تهران، ۱۳۹۸.
۴. صفی پوری شیرازی، عبدالرحیم بن عبدالکریم، منتهی الارب فی لغه العرب، تصحیح و تعلیق: محمدحسن فؤادیان، علیرضا حاجیان نژاد، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۳.
۵. علیدوست، ابوالقاسم، فقه و حقوق قراردادهای (ادله عام روایی)، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۹۸.
۶. کاتوزیان، ناصر دوره عقود معین، ج ۱، شرکت سهامی انتشار، چاپ نهم، تهران، سال ۱۳۸۴.
۷. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادهای، ج ۲، شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۹۴.
۸. کریمی، عباس، معامله به مال آینده، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۹۰، تابستان، ۱۳۹۴.
۹. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، جلد ۲، چاپ چهارم، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۰.
۱۰. وحدتی شبیری، سید حسن، مجهول بودن مورد معامله، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، چاپ اول، قم، ۱۳۷۹.

۱۱. هاشمی شاهرودی، سید محمود، استصناع (سفارش ساخت کالا)، مجله فقه اهل بیت (ع)، شماره ۱۹ و ۲۰، پاییز و زمستان ۱۳۷۸
- ب) منابع عربی فقهی، روایی و لغوی
۱. ابن بابویه الصدوق، محمد ابن علی، عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۲، چاپ سوم، مکتبه الحیدریه، قم، ۱۳۳۱ ه ق.
۲. ابن منظور، محمد ابن مکرم، لسان العرب، ج ۵، قم، نشر ادب الحوزه، چاپ اول، ۱۴۰۵ ه ق
۳. ابوجیب، سعدی، القاموس الفقهی، انتشارات دارالفکر، دمشق، ۱۴۰۲ ه ق.
۴. الموسوی الخمینی، سیدروح الله، کتاب البیع، ج ۳ و ۵، مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی، چاپ اول، تهران، ۱۴۲۱ ه ق.
۵. انصاری، مرتضی، مکاسب، مجمع الفکر الاسلامی (کنگره)، ج ۴، ۵ و ۶، چاپ هفتم، قم، ۱۴۲۷ ه ق.
۶. حسینی روحانی، محمد صادق، فقه الصادق، ج ۱۵، دارالکتاب قم، چاپ اول، قم ۱۴۱۲ ه ق.
۷. حسینی عاملی، سید محمد جواد، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، ج ۸، انتشارات دارالترتیب، بیروت، ۱۴۱۸ ه ق.
۸. حلّی، حسن ابن یوسف، قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، ج ۲، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، قم، ۱۴۱۳ ه ق.
۹. \_\_\_\_\_ تذکره الفقهاء، ج ۱، مؤسسه آل البيت عليه السلام، چاپ اول، قم، ۱۴۱۴.
۱۰. جوهری، اسماعیل ابن حماد، صحاح اللغه، ج ۲، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۴۰۴ ه ق.
۱۱. خوبی، سید ابوالقاسم، مصباح الفقاهه، ج ۵، ۶ و ۷، دارالهادی، بیروت، طبعه الاولى، بیروت، ۱۴۱۲.
۱۲. زبیدی، سید محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، دارالفکر للطباعه و النشر و التوزیع، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۴ ه ق.
۱۳. زیلعلی الحنفی، فخر الدین عثمان ابن علی، تبیین الحقائق فی شرح کنز الدقائق، ج ۴، دارالکتب الاسلامی، القاهره، ۱۳۱۳ ق.
۱۴. شرتونی، سعید، اقرب الموارد فی فصح العربیه و الشوارد (دو جلدی)، مؤسسه النصر، قم، بی تا
۱۵. شیرازی، ابراهیم ابن علی (ابواسحاق)، المهذب فی فقه الامام شافعی، ج ۱، عیسی البابی الحلّبی، القاهره، بی تا.
۱۶. طوسی (شیخ الطائفه)، محمد ابن الحسن، المبسوط، ج ۲، چاپ دوم، مکتبه مرتضویه لاحیا آثار الجعفریه، ۱۳۸۷ ه ق.
۱۷. \_\_\_\_\_ تهذیب الاحکام، ج ۷، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، تهران، ۱۴۰۷ ه ق.
۱۸. عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی، القواعد و الفوائد، قم، نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۱۴ ه ق.

۱۹. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، الروضة البهية في شرح المعنى الدمشقية، ج ۴، نشر کتابفروش داوری، چاپ اول، قم، ۱۴۱۰ هـ ق.
  ۲۰. \_\_\_\_\_، مسالك الافهام الى تنقيح شرايع الاسلام، مؤسسه المعارف الاسلاميه، چاپ اول، قم، ۱۴۱۳.
  ۲۱. عاملی (شیخ حر)، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، ج ۱۲، ۱۷، ۱۸ و ۲۱ مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول، قم، سال ۱۴۰۹ هـ ق.
  ۲۲. فراهیدی، خليل ابن احمد، کتاب العين، مشورات الهجره، ج ۴، چاپ دوم، قم، ۱۴۱۰ هـ ق.
  ۲۳. کلینی، محمد ابن یعقوب، الکافی، دارالکتب اسلامیه، ج ۵، تهران، ۱۴۰۷ هـ ق.
  ۲۴. مظفر، محمد رضا، اصول فقه، ج ۱، نشر دانش اسلامي، قم، ۱۴۰۵ هـ ق.
  ۲۵. مراغه ای، سيد مير عبدالفتاح، عناوين الفقهيہ، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، قم، ۱۴۱۷ هـ ق.
  ۲۶. مقرئ الفيومي، احمد ابن محمد، المصباح المنير، دارالهجره، الطبعة الاولى، قم، ۱۴۰۵.
  ۲۷. نائینی، محمد حسين، منيه الطالب في حاشيه المكاسب، ج ۲، مؤسسه النشر الاسلامي، قم، ۱۴۱۸ هـ ق.
  ۲۸. نجفی، محمد حسن، جواهرالكلام في شرح شرايع الاسلام، ج ۲۲ و ۲۳، انتشارات دارالاحياء التراث العربي، چاپ هفتم، بيروت، ۱۴۰۴ هـ ق.
  ۲۹. نراقی، ملا احمد، عوائد الايام، قم، انتشارت دفتر تبليغات حوزه علميه قم، چاپ اول، ۱۴۱۷ هـ ق.
- ج) منابع عربی حقوقی
۱. السنهوري، عبد الرزاق احمد، الوسيط في شرح القانون المدني الجديد، المجلد الثالث و الرابع والسابع، منشورات الحلبي الحقوقية، الطبعة الثالث، بيروت، ۲۰۰۰ م.
  ۲. \_\_\_\_\_، مصادر الحق في فقه الاسلامي، ج ۳، دار الاحيا تراث عربي، الطبعة الاولى، بيروت، ۱۹۹۷.
  ۳. الضير، الصديق محمد الأمين، الغرر في العقود و آثاره في تطبيقات المعاصرة، المعهد الاسلامي للبحوث و التدريب، الطبعة الاولى، جدّه، ۱۹۹۳ م.
  ۴. \_\_\_\_\_، الغرر و اثره في العقود في فقه الاسلامي، دارالجيل، الطبعة الثانية، بيروت، ۱۴۱۰.